

## اخوت جهانی در متون باستانی ایران

### فاطمه سمواتی\*

در متون باستانی ایران، به خصوص متن‌های اوستا و در آیین مهر و مزدیسنا، همواره سخن از برادری جهانی آمده است. نخستین باور به اخوت جهانی در موعودهای نجات دهنده‌ی آیین مهر و مزدیسنا نمودار شده است. سوشیان یا سوشیانس نام سه موعود زردشتی است که از آیین مهر نشأت گرفته که در آخرین سه هزاره‌ی عمر جهان ظهور خواهند کرد و جهان را به سوی اخوت جهانی و برادری سوق خواهند داد و هم‌چنین گیتی را از بدی و فساد و ستم رهایی خواهند بخشید. این نام در کتاب اوستا به صورت سوشیانت<sup>۱</sup> و در پهلوی به صورت‌های سوشیونس آمده و معنی آن سود رساننده است. در بخش گات‌ها (سروده‌های زردشت) به صورت مفرد و هم جمع به کار رفته و در هر جای اوستا که مفرد آمده، از آن آخرین موعود اراده شده است. نام سومین سوشیانت در اوستا اَشْتَوْت اِرْتَه<sup>۲</sup> به معنی کسی که مظهر قانون مقدس است و نام مادر او اِرْدَت فِذْرِي<sup>۳</sup> یعنی کسی که ماهی آبروی پدر است و عنوان او ویسپ تئوروئیری<sup>۴</sup> یعنی شکست دهنده‌ی همه می‌باشد. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در زامیادیشتم محل ظهور او از شرق و کنار دریای کیانسیه یاد شده و چنین آمده است: هنگامی که استوت ارت. بیک مزدا اهورا پسر ویسپ تئوروئیری از آب کیانسیه به درآید، گرز پیروزمند، آرنده گرژی که فریدون دلیر داشت، هنگامی که از وی دهاک

\* دانشجوی تاریخ دانشگاه دمنی، دهلی.

1. Saošyānt.
2. Astvat ereta.
3. Eredat Fezri.
4. Vispa taur vairi.

کشته شد، او دروغ را از این جا، از گیتی راستی، بیرون خواهد کرد. او با دیدگان خرد بنگرد به همه‌ی آفریدگان. او با دیدگان بخشایش سراسر جهان مادی را خواهد نگریست. یاران استوت ارت پیروز مند به در خواهند آمد و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند. منش بد شکست خواهد یافت. منش خوب به آن چیره خواهد شد. سخن راست بر دروغ چیره خواهد شد. خرداد و امرداد، گرسنگی و تشنگی را شکست خواهند داد. اهریمن بدکنش ناتوان رو به گریز خواهد نهاد.

در فروردین یشت مادر سوشیانت چنین مورد ستایش قرار گرفته: فرورهر پاکدین دوشیزه اردت فذری را می‌ستایم کسی که هم‌چنین ویسپ تنورویری نامیده می‌شود. از این جهت که کسی را خواهد زایید که همه‌ی آزارهای دیوها و مردمان را دور خواهد نمود.

در بندهشن زادگاه سوشیانس، خونیرث (ایران) یادشده و چنین آمده که سوشیانس اندر خونیرث زاده شود که اهریمن را نابود کند و رستاخیز و تن پسین کند.

در زندوهومن یسن نیز پس از ظهور سوشیانس، نابودی فریب و پتیاره (اهریمن)، سوشیانس آفریدگان را پاک کرده و رستاخیز و تن پسین خواهد بود. در مینوی خرد، کیخسرو از یاران سوشیانس یاد شده است که به یاری خرد می‌تواند رستاخیز و تن پسین را انجام دهند.

هوشیدازان نیز نام دیگر سوشیانس است. سه موعود زردشتی که به نام‌های هوشیدر، هوشیدر ماه و سوشیانس ذکر شده است.

در وندیداد، زردشت نابودی آفرینش دیوها و دیو ناسو و خشتی تی پری را تا ظهور ساشیانس پیروزمند که از شرق ظهور خواهد کرد درخواست می‌کند.

در زامیاد یشت آمده: فرکیانی نیرومند مزدا آفریده را می‌ستایم که به سوشیانت پیروزمند و به سایر دوستانش تعلق خواهد داشت. هنگامی که گیتی را نوسازد یک گیتی پیر نشدنی، نه مردنی، نه گندیدنی، نه پوسیدنی، جاودان، زنده‌ی جاودانی بالنده، کامروا در آن هنگامی که مردگان دگر باره برخیزند و به زندگانی بی‌مرگی روی کنند. پس آنگاه سوشیانت به درآید و جهان را به آرزوی خود تازه کند. پس جهانی که فرمانبردار راستی و برادری است فنا ناپذیر گردد. دروغ دگر باره به همان جایی رانده شود که از

آن جا از برای آسیب رساندن به راستی پرستان و نژاد و هستی وی آمده بود، تباهکار و نابود خواهد گردید. فریفتار رانده خواهد شد.

درویسپرد، مرد و زن پاک و پارسایی که به سپندار مد و سخن سوشیانت پایدار است ستوده شده.

در کتاب هفتم دین کرد از هوشیداران به تفصیل سخن رفته و مطالبی آمده است. واژه سوشیانت در دیگر ادیان نیز نمود دارد هم چون مسیح در انجیل، کورش در نورات مهدی<sup>۴</sup> در اسلام. در سنت یهودی مسیح به صورت پسر یوسف و پسر داوود درآمده است. همه‌ی سوشیانت‌ها از مادران باکره‌زاده می‌شوند.

در اوستا، فرشکرد<sup>۱</sup> به معنی رستاخیز و نو تجدیدکردن و برادری و اخوت جهانی و برپاداشتن رستاخیز و با آراستن و نوکردن و تجدید و تصفیه‌ی جهانی است. این نام در اوستا به صورت فرشوکرته<sup>۲</sup> و در پهلوی فرشوکرته<sup>۳</sup> و در فارسی فرشکرد<sup>۱</sup> گفته می‌شود. در یسنا، هات ۶۲ فرشکرد به معنی رستاخیز به کار رفته است و در فروردین بشت، اهورامزدا به زردشت می‌گوید: فروهری که به سوشیانت‌های نوکننده‌ی جهان (فرشکرد) تعلق دارند، قوی‌تر از فروهرهایی هستند که مرده‌اند.

در زامیاد یشت فرمی که به ایزدان مینوی و جهانی و سوشیانت‌ها که نوکنندگان هستند، تعلق دارد ستوده شده است.

در بندهشن ایزد هوم درمان بخش، فرشکرد کرداری را به عهده دارد و نیز چنین آمده که اندر آن فرشکرد کرداری آن مردم پارسا که زنده‌اند پانزده مرد و پانزده دختر به یاری سوسیانتش رسند.

فرشکرد کرداران جاویدانانی هستند که در دوران فرشکرداری (باز آراستن جهان، رستاخیز) به یاری سوشیانت‌ها می‌رسند. در مینوی خرد از امتیازاتی که به کیومرث نسبت داده است که فرشکرد کنندگان نران و مادگان از تن او آفریده شده‌اند.

- 
1. Fraškard.
  2. Frašo Kereti.
  3. Fraškart.
  4. Fraškard.

نام تعدادی از فرشکرداران در نوشته‌های پهلوی آمده است. جاویدان یا جاودانیان، قهرمانان دوره‌ی باستان هستند که در خواب ممتدی فرورفته‌اند تا در دوره‌ی آخرالزمان به یاری هوشیداران آیند و جهان را از ظلم و از جور برهانند. کریستن سن می‌نویسد: اصل موضوع در این عقیده عبارت است از یک اندیشه. ممکن است که مخصوصاً در میان اقوام هندو اروپایی رواج داشته و راجع به قهرمانی است که بدون مرگ در خواب ممتدی فرورفته و در روز بلا و محنت عالمیان، از جای برمی‌خیزد تا ملت خود را به جانب پیروزی هدایت کند.

نام تعدادی از جاویدان‌ها در نوشته‌های پهلوی از قبیل دین کرد، دستان دینیک، بندهشن، زند و هومن یسن و مینوی خرد آمده است. در بندهشن نام بزرگان جاویدان که در خونیرث هستند چنین آمده: پشوتن گشتاسپان که چترومان<sup>۱</sup> خوانند به کنگ دژیامی اغریث پشنگان او را گویت شاه<sup>۲</sup> هم خوانند به سرزمین سیستان. فرشتت جمنیان<sup>۳</sup> به دشت پیشانی.

اشم یماهوشت<sup>۴</sup> بدان جا که رود ناوتاک خوانند. ون جویت پیش<sup>۵</sup> به ایرن ویج. ازوتدر<sup>۶</sup> زدشتیان به ورجمکرد.

گروهی نیز بیهوشند (بی‌مرگند)، چون نرسی دیونگهان، تویس نوذران، گیگودرزان بزرزد کوخشش کردار<sup>۷</sup>، اشه وزد<sup>۸</sup>، پورودخشان که همه به فرشکرد کرداری به یاری سوشیانس برسند.

از مشهورترین جاویدان‌ها سام یا گرشاسب است که در دشت پیشانی به حالت بوشاسب می‌باشد و سرانجام دهاک (ضحاک) را خواهد کشت.

1. Čatruman.
2. Gupašā.
3. Fratašči-i-xarbiyān.
4. Aēšm-i-yemehušt.
5. Van-I-jvitōš.
6. Urvatanar.
7. Bairazd-i-kūxšiškartar.
8. Aša-vazd-I-puru dhā xštān.

در سوتکرنسک، تفسیر پهلوی دین کرد و نیز داتستان دینیک، نام کیخسرو، کومرث، چم زردشت نیز آمده است.

در آیین مزدیسنا «اشا» پویایی، تکامل و قانون راستی و داد برای برادری و اخوت جهانی آمده است. «اشا» عمل به راستی، در اندیشه، گفتار و کردار، دادگری است. هیچ کنشی راست نیست مگر آن که با قانون «اشا» سازگار باشد.

در میان فروزه‌های اهورایی، «اش» پس از خرد نام‌برده شده است. گو این که گات‌ها بیش از خرد و همه‌ی فروزه‌های دیگر خدایی، از اشا نام‌برده است. اشا چکیده‌ی دین زردشتی است. قانون علت و معلول است که هنجار اهورایی، اخلاقی و اجتماعی را در آفرینش سامان می‌دهد. بنا به گات‌ها خواست اهورامزدا و اشا یکی است.

اهورامزدا جهان را در اندیشه‌ی وهومن پدید آورد. در وجدان دانا شکل داد. در آفرینندگی سپنتامینو آشکارکرد و برابر با قانون راستی به گردش گذاشت تا با هم‌آهنگی آرمیتی به سوی رسایی و جاودانی (خرداد و امرداد) پیش رود.

در گات‌ها آمده است که اشوزردشت پیش از برگزیده شدن به پیامبری بر طبق «اش» رفتار می‌کرده است. اشوزردشت تجسم اشا در این جهان بوده است.

در ایران باستان، در آیین مهر و زردشت، انجمن مغانه نخستین انجمن دینی برپایه‌ی «اشا» بوده که پایه‌گذار یگانگی و برادری جهانی بوده است.

شالوده‌ی انجمن مغان، چنین بوده است که پیوسته پاک‌ترین و ارزشمندترین و پارساترین مردمان، به این سازمان می‌پیوسته‌اند. آمدن به این سازمان نیز بسی دشوار بوده و گذشتن از گام‌هایی و آزمایش‌های سختی، برای آمدن به این سازمان انجام می‌گرفته است.

مغان ایرانی، پیش از زردشت، پیرو آیین‌های کهن بوده‌اند و پس از پیدایی زردشت به پیشوایی این دین درآمدند.

زردشت یاران خوددار به سه گروه بخش کرده بود: ۱. خَی تو: یا خودی، که نزدیک‌ترین کسان به او بودند. ۲. ورزن: یا ورزندگان، که کشاورزان و دام‌پروران و

کارکنان کارهای سودمند دیگر بودند. ۳- انی ری ی م ن: یا آریامنش، که از دوستان و یاوران زردشت بودند.

زردشت انجمنی از یاران خود و نزدیک را بنیاد نهاد که آنان را مگ با مغ خواند: این یاران خودی همان کسانی بودند که نخست پیام زردشت را نیک دریافتند.

سیسرو، سخنان بزرگ رومی می‌گوید: مغان ایرانی، از دانشمندان و فرزنانگان هستند، کسی پیش از آموزش‌های آنان به پادشاهی ایران نمی‌رسد.

نویسندگان کهن مغان را پیرو زردشت و برخی زردشت را بنیان گزار آیین مغان دانسته‌اند، اما راستی این است که خود زردشت از مغان بود که به فرمان مغان و انجمن مغان، فرزنان و فلسفه‌ی تازه بی را به نام مزدیسنا پایه‌گذاری کرد. مغان یکی از شش گروه بزرگ ماد بودند.

مغان به خاطر مقام والایی که داشتند، باید دارای پانزده فروزگان می‌بودند، از جمله:

- ۱- اوژده هیم = نیک خوی و پاک خیم.
- ۲- آسنوده خرد = دارای خرد و هوش اهورایی.
- ۳- دین آراستار = آراینده‌ی دین.
- ۴- یزدان منیدار = همیشه به یاد خدا بودن.
- ۵- مینو و نیشن = بینای مینوشناس.
- ۶- پاک منش.
- ۷- راست گوشن = راستگو.
- ۸- خردی گنشن = کارها را از روی خرد انجام دهد.
- ۹- یوژده دائره تن = دارای تن و جامه‌ای پاک.
- ۱۰- شیواهزوان = سخنان و سراینده‌ی اوستا با آهنگ شیوا.
- ۱۱- نرم سنگ = از بر خواننده‌ی اوستا.
- ۱۲- پادیاب سازشن = دارای جایگاه پاک و بی‌آلایش.
- ۱۳- درست اوستا = اوستا را به درستی بخواند.
- ۱۴- نیک نیرنگ = آیین و نیرنگ‌های دینی را به خوبی انجام دهد.
- ۱۵- نام خورشن = همیشه در خوراک خوردن از پرخوری پرهیز کند.

نخستین مغان آریایی را می‌توان امشاسپندان دانست. چرا که هفت ایزد آریایی بودند. امشاسپندان که به انجمن مادینه‌گان نیز مشهور بود، زاینده‌ی نیکی‌ها و آفرینش بودند.

انجمن پیروان میترا یا مهر، انجمن مغانه یا انجمن برادری و برابری نام داشت. همه‌ی پادشاهان بافر ایران، بیش از همه از سوی انجمن مغان برگزیده می‌شدند و سپس پروانه‌ی پادشاهی می‌گرفتند. پادشاهان نیز بدون گرفتن فرمان و اجازه، از انجمن مغان نمی‌توانستند کاری به انجام برسانند.

### منابع

۱. آموزگار، دکتر ژاله: *اردویراف نامه*، فلپ زینو، انجمن ایران‌شناس فرانسه، انتشارات معین، تهران، ۱۳۷۲.
۲. بنونیست، امیل: *دین ایرانی بر پایه‌ی متن‌های کهن یونانی*، ترجمه‌ی: بهمن سرکاراتی، نشر دانشگاه تبریز، ۱۳۵۰.
۳. پورداوود، ابراهیم: *بشا*، تهران، ۱۳۴۰.
۴. پورداوود، ابراهیم: *بشا*، ج ۲، تهران، ۱۳۳۷.
۵. پورداوود، ابراهیم: *بش‌ها*، ظهوری، تهران، ۱۳۴۷.
۶. تیرگ، ه. س: *دین‌های ایران باستان*، ترجمه: سیف‌الدین نجم‌آبادی، انتشارات مرکز ایران مطالعه‌ی فرهنگ‌ها، تهران، ۱۳۵۹.
۷. جامی، مهندس احمد: *بغ مهر، نگارنده*، تهران، ۲۵۳۵.
۸. جان هیلز: *شناخت اساطیر ایران*، با برگردان: دکتر ژاله آموزگار و دکتر احمد تفضلی، کتاب‌سرای بابل و نشر چشمه، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۱.
۹. راشد محصل، محمد تقی: *زند بهمن یسن*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. رقیه، دکتر بهزادی: *بندهشن هند*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. شاهرخ، کیخسرو: *آیین مزدیسنی*، تهران، ۱۳۳۷.
۱۲. شهردان، رشید: *خرده‌آوستا*، تهران، ۱۳۷۲.

۱۳. صفا، دکتر ذبیح‌الله: *مزدآپرستی در ایران قدیم*، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۵۷.
۱۴. صفی‌زاده، دکتر فاروق: *انجمن مغانه*، نشر ابریشم، تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. صفی‌زاده، دکتر فاروق: *برگردان نامه‌ی سپند آوستا*، بمبئی، هند، ۱۹۹۲.
۱۶. عفیفی، دکتر رحیم: *اساطیر و فرهنگ ایران*، توسن، ۱۳۷۴.
۱۷. فره‌وشی، دکتر بهرام: *ایرانویج*، دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۷۰.
۱۸. فره‌وشی، دکتر بهرام: *جهان فروری*، انتشارات کاریان، چاپ دوم ۱۳۶۴.
۱۹. قائمی، محمّد: *ادبیات باستانی ایران*، کابفروشی تأیید، اصفهان، ۱۳۴۸.
۲۰. کرسیتین سن، آ.: *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۵.
۲۱. گیرشمن، ر.: *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه: دکتر محمّد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.
۲۲. معین، دکتر محمّد: *مزدیسنا و ادب پارسی*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۸.
۲۳. موله، م.: *ایران باستان*، ترجمه: دکتر ژاله آموزگار، توسن، تهران، ۱۳۶۳.
۲۴. هدایت، صادق: *زند و هومن یسن*، امیرکبیر، تهران، چاپ سوم ۱۳۴۲.
۲۵. هنینگ، و. ب.: *زردشت سیاستمدار یا جادوگر؟* ترجمه: دکتر کامران فانی، تهران، ۱۳۵۷.
26. Boyce, M.: *Zoroastrians, their Religious Beliefs and Practices*, London, 1979, repr. 1987.
27. Cameron, C. G.: *History of Early Iran*, Chicago, 1936.
28. Campbell, L.A.: *Mithraic Iconography & Ideology*, Leiden, 1968.
29. Catnoy, A. J.: *The Moral Deities of Iran and their Origins*. A.J. th. Jan. 1917.
30. Darmesteter, J.: *Ormazd et Ahriman*, Paris, 1877.
31. Darmsteter, J.: *Ledieu supreme dans la mythologie aryenne* In *Essais orientaux* James Darmesteter.
32. Duchesne - Gullemin, J.: *The Western Response to Zoroaster*, Oxford, 1958.
33. Geldner K.: *Der Rigveda...* ins Deutsche Übersetzt, Harvard Oriental Series, 3 Vols, 1951.
34. Gershevitch, J.: *The Avestan hymn to mithra*, Cambridge, 1959.
35. Gray, L.H.: *The Foundations of the Iranian Religions*, Bombay, 1925.
36. Hertel, J.: *Die Sonne und Mithra im Awesta*, Leipzig 1927.
37. Jackson, A.V.W.: *Persian Past and Present*, New York & London, 1909.
38. Miellet, A.: *Le dieu indo-Iranien Mitra*, J.A.XE. Sen. X. 1907.
39. Modi, J.J.: *The Religious Ceremonies and Customs of Parsees*, 2<sup>nd</sup> ed., Bombay, 1937.
40. Moulton, J.H.: *The Treasure of the Magi*, London, 1917.
41. Saxl, F.: *Mithras Typenge schich tlich untersuchunger*, Berlin, 1931.